

تجدید سازمان صنعت شکر، که از آوریل ۲۰۰۲ آغاز شد، شامل این اقدامات بوده است: از ۱۵۵ تصفیه خانگی شکر، ۷۰ تا تعطیل شده‌اند؛ ۱/۳۸ میلیون هکتار زمین زیر کشت نیشکر (۶۲ درصد از کل) به کشت سایر محصولات کشاورزی و دام داری اختصاص داده شده‌اند؛ حدود ۱۲۰ هزار تن از شاغلین در صنعت شکر تضمین دارند، که تا پیدا کردن شغل جدید حقوق سابق خود را دریافت کنند و حقوق بعدی آنان کمتر از درآمد کنونی نباشد؛ ۱۰۰ هزار نفر از این عده با حفظ حقوق در برنامه های آموزش فنی و علمی ثبت نام شده‌اند، تا برای شغل بهتری آماده شوند. (در کوبا تحصیلات رایگان است.)

### ۱- زمینه‌ی تاریخی

صنعت شکر، سهم اساسی در اقتصاد کوبا دارد و ریشه‌ی وابستگی اقتصاد کوبا در میراث استعماری این کشور است. در فاصله‌ی دهه‌ی ۱۷۵۰ تا اواخر سده‌ی ۱۸۰۰، استعمارگران اسپانیولی واحدهای بزرگ تولید شکر، تنباکو و قهوه را برای صدور به بازار جهانی به وجود آوردند. اما کوبا فاقد قشر وسیعی از دهقانان خرده پا بود، تا با سلب مالکیت آنان پرولتاریای کشاورزی به وجود آید. در نتیجه، نیروی کار مزارع بزرگ کشاورزی را بردگان آفریقایی تامین می‌کردند. تنها بین سال‌های ۱۸۱۶ تا ۱۸۶۷، متجاوز از ۶۰۰ هزار برده از آفریقا به کوبا برده شد و تعداد بردگان در کوبا حتی از ایالات متحده، که به لحاظ جغرافیایی و جمعیت از آن بزرگ تر بود، بیشتر شد. وابستگی استعمارگران اسپانیولی در کوبا به نیروی کار بردگان، تا به آن حد بود که کوبا - به هم راه بریزل - آخرین کشورهای قاره‌ی آمریکا بودند، که بردگی را به سال ۱۸۸۶ لغو کردند.

دو دوره جنگ استقلال، سرانجام در سال ۱۸۹۸ به استعمار اسپانیا خاتمه داد. اما ایالات متحده، که اکنون به یک قدرت امپریالیستی جهانی تبدیل شده بود، کوبا، پورتوریکو و فیلیپین - که مستعمرات اسپانیا بودند - را تحت سلطه‌ی خود درآورد. سلطه‌ی ایالات متحده بر کوبا، که تا انقلاب ۱۹۵۹ ادامه داشت، زمینه‌ی نفوذ و فعالیت سرمایه‌های آمریکایی را در این جزیره به وجود آورد. سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در کوبا در بهترین حالت تکنولوژی مدرن را به هم راه آورد، ولی آرایش روابط اجتماعی را تغییر نداد. برعکس، دولت امپریالیستی با ارتجاعی‌ترین بخش‌های طبقات حاکمه در کوبا پیوند پیدا کرد. تولید شکر، که صنعت عمده‌ی کوبا بود، بر اساس کار مزدی سازمان یافته بود. اما این صنعت به هنگام برداشت نیشکر نیازمند بسیج نیروی کار فراوان بود، که در باقی سال اکثراً بیکار می‌ماند. به این ترتیب، روستایی کوبا همواره با فقر و بیماری دهشت‌ناکی روبرو بود و روستاییان فاصله‌ی هر دو برداشت نیشکر را «دوره‌ی مرده» می‌نامیدند.

انقلاب ۱۹۵۹ به این وضع پایان داد. انقلاب سیاسی‌یی که به سرنگونی دیکتاتوری باتیستا انجامید، تحت رهبری‌ای که حول فیدل کاسترو متشکل شد، به ایجاد حکومتی بر پایه‌ی قدرت کارگران و دهقانان توفیق یافت و راه گشای انقلاب سوسیالیستی شد. در این فاصله، اصلاحات ارضی نقش اساسی را ایفا کرد؛ چرا که مساله‌ی ارضی به تفکیک طبقاتی و رادیکالیزه شدن انقلاب انجامید. همان

نوشته‌ی حاضر به گزارش و ارزیابی تجدید سازمان صنعت شکر در کوبا، با تمرکز به نقش کارگران و روابط کار، می‌پردازد. اساس این گزارش، از مقاله‌ی بلندی که در دو بخش به قلم جانان سیلبرمن، مارتین کوپل، و مری آلیس واترز در هفته‌نامه‌ی سوسیالیستی «میلیتانت» (نیویورک، شماره‌های ۹ و ۱۶، فوریه‌ی ۲۰۰۴) درج گشته، اخذ شده است و خواننده‌ی علاقه‌مند و آشنا به زبان انگلیسی می‌تواند به آن رجوع کند. (۱) نشریه‌ی «میلیتانت»، گزارشات زیادی از انقلاب کوبا به دست می‌دهد و رجوع به آن برای علاقه‌مندان به آشنایی با این انقلاب ارزشمند است.

کارگران در سراسر جهان با پدیده‌ی «تجدید سازمان» موسسات و صنایع سرمایه‌داری آشنا هستند. تجدید سازمان در اقتصاد و جوامع سرمایه‌داری معمولاً به معنی دخالت مدیران، سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری در بازتعریف روابط کار تحت لوای «منطقی کردن» آن، افزایش کارایی و بارآوری کار، و البته سودآوری است. کارگران با تجربه می‌دانند، که سودآوری بیشتر تنها از طریق تشدید استثمار کارگر میسر می‌شود. در نتیجه، کارگران با پدیده‌ی «تجدید سازمان» معمولاً به صورت فاجعه‌ای ناپهنگام روبرو می‌شوند، که در برابر آن یا ناتوان هستند و یا باید به هر وسیله‌ی ممکن دست به مقاومت و مبارزه بزنند؛ چرا که «تجدید سازمان» به تقلیل نیروی کار و تشدید فرآیند کار برای کارگران «خوش‌بختی» که مشمول بیکار سازی مدیریت نشده‌اند، می‌شود. کارگرانی که بیکار می‌شوند، یا به استخدام موسسات دیگر با شرایط حتا بدتر در می‌آیند و یا به خیل کارگران بیکار می‌پیوندند. در بهترین حالت، کارگران تشکلی دارند و یا می‌سازند تا با بلا‌ی «تجدید سازمان» فرآیند کار مقابله کنند. اما از اهداف اولیه‌ی تجدید سازمان موسسات و صنایع سرمایه‌داری در دو یا سه دهه‌ی اخیر، درهم شکستن تشکلات کارگری، حتا سازش طلب‌ترین اتحادیه‌هاست. از جانب دیگر، به دلایل تاریخی‌یی که بررسی آن از حوصله‌ی این نوشته خارج است، عمده‌ی تشکلات کارگری موجود تحت سلطه‌ی رهبری دیوان سالار و اشرافیت کارگری درآمده‌اند. این‌ها در بهترین حالت به دنبال «شر کم‌تر» در بین «راه‌حل‌های» بورژوازی در تنگناهای اقتصاد سرمایه‌داری می‌گردند. مبارزترین کارگران و تشکلات آنان در این شرایط به صورت یک نیروی کوچک، و در موقعیت تدافعی، با امواج حملات سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری روبرو می‌شوند و در اکثر مواقع با ناکامی روبرو می‌گردند.

در این شرایط، بررسی تجدید سازمان صنعت شکر در کوبا نمونه‌ای ارزنده را در برابر فعالین کارگری و سوسیالیست قرار می‌دهد. وقوع و تداوم انقلاب سوسیالیستی در کوبا شرایطی را فراهم آورده است، که در آن تجدید سازمان شکر بر اساس منابع و نیاز جماعت کارگران و دهقانان مطرح می‌شود و خود این‌ها از طریق دولت و اتحادیه‌های خود در انجام آن دخیل هستند. در نتیجه، تجدید سازمان صنعت شکر به تقویت موقعیت کارگران و انقلاب سوسیالیستی می‌انجامد. مساله‌ی اساسی «تجدید سازمان» نیست، بلکه این است که کدام طبقه‌ی اجتماعی، کدام نیروی سیاسی و کدام اهداف اقتصادی در امر تجدید سازمان دخیل هستند و آیا کارگران و تشکلات آنان قدرت مندتر از این فرآیند سر بلند خواهند کرد یا نه؟

طور که برنامه‌ی «جنبش ۲۶ ژوئیه» وعده داده بود، چهار ماه و نیم بعد از کسب قدرت، حکومت انقلابی اولین قانون اصلاحات ارضی را در هفدهم ماه مه ۱۹۵۹ تصویب کرد. در آستانه‌ی اصلاحات ارضی، ۱/۵ درصد از زمین داران، ۴۶ درصد زمین‌های کشاورزی را در اختیار داشتند. در مقابل، ۱۵۰ هزار خانوار، دهقان مستاجر یا سهم بر بودند و ۲۰۰ هزار خانوار، خوش نشین که اصلاً زمینی در اختیار نداشتند و روزمزدی می‌کردند. طبق اولین قانون اصلاحات ارضی، حداکثر مالکیت زمین ۴۰۲ هکتار اعلام شد و دهقانان متوسط و کوچک صاحب زمینی که روی آن کار می‌کردند، شدند.

اما این قانون هنوز ۱/۷ میلیون هکتار زمین را در دست بورژوازی روستا باقی می‌گذارد. در چهارم اکتبر ۱۹۶۳، دومین قانون اصلاحات ارضی به اجر در آمد، که کلیه‌ی مزارع و اراضی بزرگ تر از ۱۶۷ هکتار را ملی کرد. یازده هزار مزرعه‌ی بزرگ به این ترتیب تحت لوای دولت در آمد و از ده هزار کشاورز متوسط سلب مالکیت شد. اما ۱۵۰ هزار خانوار دهقان خرده پا اجازه یافتند، که مادام العمر و تا زمانی که فردی از خانواده روی زمین کار می‌کند، صاحب محصول آن باشند. (ماتیوز، ۱۹۷۵، صفحه ۳۰۶) به این ترتیب، تجارت زمین ملغی شد و دهقانان خودکار از شر اجاره، واسطه‌ها و شرخ‌های روستا خلاص شدند. این‌ها «اتحادیه‌ی سراسری کشاورزان خودکار» را به وجود آوردند، که از حامیان انقلاب است و هنوز فعال می‌باشد. در همین دوره، در ۲۲ دسامبر ۱۹۶۱، «کارزار سوادآموزی» با بسیج ۱۰۰ هزار دانش جو، دانش آموز و دیگر بخش‌های جامعه آغاز شد، که توانست ظرف ده ماه درصد بی سوادی در کوبا را از ۳۷ درصد به چهار درصد تقلیل دهد. اکثر بی سوادان در روستاها بودند؛ در برخی نواحی تا ۹۰ درصد بی سواد بودند و در نتیجه، کارگران و دهقانان روستاها از این برنامه استفاده‌ی بیشتری بردند. به همین روال، برنامه‌ی ایجاد مسکن، مدرسه و درمانگاه و بیمارستان، سریعاً سطح زندگی و فرهنگ کارگران و دهقانان در روستاها را ارتقا داد. در صنعت نیشکر، کارهای طاقت فرسا سریعاً مکانیزه شدند. فعال شدن تشکلات کارگری و دهقانی برای اولین بار راه را بر روی این بخش از جامعه در تعیین سرنوشت کوبا گشود.

## ۲- بحران صنعت شکر

پیش از انقلاب، ایالات متحده خریدار عمده‌ی شکر کوبا بود. کوبا به طور رسمی دارای سهمیه‌ی بود، که هر سال با قیمت ترجیحی (بالتر از قیمت شکر در بازار جهانی) به ایالات متحده صادر می‌شد. این سیاست نباید تعجب آور باشد، چرا که امروزه نیز دول امپریالیستی، از جمله ایالات متحده، به تولید کنندگان شکر در حوزه‌ی تحت تسلط خود (در درون «مرزهای ملی») سوسید می‌دهند و کوبا در آن زمان واقعا حوزه‌ی تحت سلطه به حساب می‌آمد. به هر حال، سهمیه‌ی شکر صادراتی به ایالات متحده بعد از انقلاب از بین رفت. در این دوره، رهبری انقلاب



به دنبال بازار برای محصولات کوبا بود و با اتحاد شوروی و کشورهای کومکن («شورای هم یاری اقتصادی») نیز وارد مذاکره شده بود. نتیجه این شد، که مسکو با هاوانا به توافق رسید که شکر کوبا و نفت شوروی را معاملی پایایی کنند. این امر در عین نجات کوبا از بحران اقتصادی ناشی از تخاصم و تحریم اقتصادی ایالات متحده، باعث شد که استراتژی کوبا جهت تحول ساختاری اقتصادش به تعویق بیفتد. عضویت کوبا در کومکن و تقسیم کار اقتصادی بین کشورهای کومکن در واقع باعث شد، که امر صنعتی شدن کوبا بر اساس الگویی پیش رود که بیش‌تر مناسب هم کاری دراز مدت با اتحاد شوروی و کشورهای بلوک شرق بود. صنعت شکر در این دوره پیش رفت کمی فراوان کرد. ظرفیت تولید تا ده میلیون تن افزایش یافت و طی سالهای ۱۹۵۹ الی ۱۹۹۰، کارگران کوبایی به طور متوسط ۶/۴ میلیون تن شکر در سال تولید می‌کردند. اما افزایش ظرفیت تولید شکر از طریق به زیر کشت در آوردن زمین‌هایی که کمتر برای نیشکر مناسب بود، کاربرد هر چه بیشتر کود شیمیایی و سموم ضد آفات و مکانیزه کردن کشت نیشکر از طریق استفاده از تراکتورهای ساخت شوروی - که سوخت زیادی مصرف می‌کردند - میسر شد.

همان طور که فیدل کاسترو در مجمع اتحادیه‌ی نویسندگان و هنرمندان در نوامبر ۱۹۹۳ توضیح داد، فروپاشی نظام اتحاد شوروی و اروپای شرقی مخالف تصور رهبری انقلاب کوبا بود: «تو گویی کسی بگوید، که امروز خورشید دیگر طلوع نمی‌کند.» متعاقب فروپاشی نظام حاکم بر بلوک شوروی، بحران اقتصادی عمیقی در کوبا به وجود آمد. صنعت شکر، کالاهای لازم برای کشت، برداشت و تصفیه‌ی نیشکر را - که عمدتاً وارد می‌کرد - از دست داد و از سوی دیگر، بازارهای صادراتی شکر در شوروی و اروپای شرقی یا از میان رفتند و یا شدیداً تقلیل یافتند. در سالهای اولیه‌ی انقلاب، هر تن شکر با هشت تن نفت تجارت پایایی می‌شد. امروزه با درآمد از هر دو تن شکر می‌توان یک تن نفت خرید. طی سالهای ۱۹۹۰، قیمت شکر رو به تنزل بوده است، در حالی که قیمت نفت در برخی سالها شدیداً افزایش یافته است.

رهبری انقلاب در هم آهنگی با نهادهای توده‌ای، به ویژه «مرکز کارگران کوبا» (کنفدراسیون کارگری) و اتحادیه‌های سراسری کارگران، در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ یک مشی عقب نشینی تاکتیکی اتخاذ کرد، که موفق شد جلودار تعمیق بحران خطرناک اقتصادی شود و روابط تجاری، مالی و اعتباری جدیدی با دیگر کشورهای جهان ایجاد کند. این امر به بهبود وضع صنایع و اقتصاد کمک کرد. (نگاه کنیده به نوشته‌ی «اتحادیه‌های کارگری و روابط کار در کوبا»، در همین دفتر «نگاه») اما بحران صنعت شکر ادامه کرد.

بحران صنعت شکر منحصر به کوبا نیست، اگر چه مورد کوبا دلایل ویژه‌ی خود را دارد. افزایش استفاده از مواد شیرین کننده‌ی دیگر به جای شکر در کشورهای توسعه یافته، از دور خارج شدن تکنولوژی قدیمی، عدم توسعه‌ی کشاورزی و صنعت، و سیاست‌های حفاظتی تجاری که به تولید کنندگان نیشکر و چغندر قند در کشورهای سرمایه داری صنعتی سوسید می‌دهد، جملگی صنایع شکر را در تعداد زیادی از کشورهای حاشیه‌ای سرمایه داری به بحران کشانیده است. در نتیجه، این کشورها با بحران سودآوری صنعت شکر روبرو شده‌اند و رقابت این‌ها برای فائق آمدن بر این بحران به اضافه تولید شکر در سطح جهان انجامیده است، که قیمت شکر را تنزل می‌دهد و بحران این صنعت را تشدید می‌کند. اما بحران صنعت شکر در این کشورها، بر خلاف کوبا، به معنی مصیبت برای میلیون‌ها کارگر است. (۲)

## ۳- عدم کارآیی صنعت شکر

در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، کوبا در صدور شکر در جهان رتبه‌ی اول را داشت؛ به سال ۲۰۰۱، اما صادرات شکر کوبا در مقامی پایین‌تر از کشورهای چون برزیل، استرالیا و تایلند بود. هزینه‌ی تولید یک پوند شکر در کوبا، که در اواخر ۱۹۹۰ حدود ۲۰ سنت بود، دو برابر برزیل و ۲۰ درصد بالاتر از هزینه‌ی متوسط در سطح

جهان بود. موسسات تصفیه‌ی شکر این کشور کهن هستند؛ بیش از ۹۰ درصد کارخانجات پیش از سال ۱۹۲۵ تاسیس شده‌اند. ظرفیت دستگاه‌های خمیرکننده‌ی نیشکر ناکافی است و دیگهای جوش آوردن نیشکر خمیر شده سخت به تعمیرات اساسی نیازمندند. خاک اکثر مزارع نیشکر فاقد مواد لازم برای پرورش نیشکری با میزان بالای شکر است. چند سالی، کوبا مشی طولانی‌تر کردن فصل برداشت را اتخاذ کرد، تا برخی از این مشکلات را دور بزند. اما این شگرد، میزان شکر هر تن نیشکر را تقلیل می‌داد، بر مشکلات مکانیکی می‌افزود و با تداخل با فصل بارانی به کارآیی لطمه می‌زد.

بعد از چند سال تجربه با اقدامات متعدد برای مقابله با این مشکلات، سرانجام در پی پنجمین کنگره‌ی حزب کمونیست - که در اکتبر ۱۹۹۷ برگزار شد - تصمیم گرفته شد تا تنها از ۱۱۶ تصفیه‌خانه‌ی شکر در فصل برداشت ۹۸-۱۹۹۷ استفاده شود. ۴۰ تصفیه‌خانه به علت قدمت و هزینه‌ی گزاف تعمیرات اساسی تعطیل شده بودند. در اوایل سال ۲۰۰۲، فیدل کاسترو در یک گردهمایی متشکل از ۱۰۰ هزار کارگر صنعت شکر در آرته میسا، یادآور شد که بهای یک پوند شکر در بازار جهانی به شش سنت تقلیل یافته و اعلام خطر کرد، که تصمیم به کشت ۲۷۰ هزار هکتار زمین در آوریل آن سال نتایج ضربرباری را به دنبال خواهد داشت. او توضیح داد، چرا صنعت شکر به یک تجدید سازمان اساسی احتیاج دارد؛ باید بهترین زمین‌ها و تصفیه‌خانه‌ها و ابزار و ماشین آلات را به کار برد، تا هزینه‌ی تولید هر پوند شکر به کمتر از چهار سنت تنزل یابد.

#### ۴- کارگران و تجدید سازمان صنعت شکر

در سال ۲۰۰۱، «کمیسون مرکزی دولتی» به ریاست کارلوس لاهه، منشی «شورای وزیران» (هیأت دولت)، برای نظارت بر امر تجدید سازمان صنعت شکر تشکیل شد. در این کمیسیون، علاوه بر تعدادی از وزیران، رهبران «مرکز کارگران کوبا»، «اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر» و «اتحادیه‌ی سراسری کشاورزان خودکار» نیز شرکت داشتند. «وزارت شکر» نیز کمیسیون خود را برای امر تجدید سازمان صنعت شکر به وجود آورد. این دو کمیسیون به طور مجزا، ولی در هم کاری نزدیک با یک دیگر به بررسی، تحلیل و برنامه‌ریزی تجدید سازمان صنعت شکر پرداختند. کار این دو کمیسیون در عین حال از طریق کمیسیون‌های مشابه در هر یک از ۱۳ استان کوبا که شکر تولید می‌کنند (یک استان کوبا شکر تولید نمی‌کند) و در هر یک از ۱۵۵ واحد تولیدی صنعت شکر تقویت می‌شد.

یک نتیجه از این رای زنی، تعیین هدف تولید چهار میلیون تن شکر خام در سال بود. میگل تولیدو، عضو هیأت دبیران «اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر» می‌گوید: «این میزان تولید کوبا را قادر خواهد ساخت، تا علاوه بر تامین صدور ۷۰۰ هزار تن مصرف داخلی بیش از سه میلیون تن شکر را جهت صادرات طبق قراردادهای موجود تهیه کند». روسیه، چین و ژاپن از وارد کنندگان عمده‌ی شکر کوبا هستند. تولیدو هم چنین توضیح می‌دهد، که: «پس از تعطیل سازی ۷۰ تصفیه‌خانه، ۸۵ واحد دیگر به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از این تعداد، ۷۱ تصفیه‌خانه شکر تولید می‌کنند و ۱۶ واحد به تولید شهد شکر می‌پردازند، که در تولید خوراکی دامی، الکل و مشروبات الکلی (رام) و دارو مصرف دارد.» تیرسو سائنز، دبیر تکنسین‌های «اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر»، نیز می‌گوید: «صنعت شکر همیشه مصرف‌کننده‌ی انرژی بوده است. اما با تجدید سازمان این صنعت ما قادر خواهیم شد، تا از تفاله‌های نیشکر برای ایجاد انرژی نیز استفاده کنیم.» به علاوه، زمین‌هایی که از زیر کشت نیشکر خارج می‌شود، نیروی کاری که به این ترتیب آزاد می‌شود، و منابع مالی بسیاری می‌تواند در سایر بخش‌های اقتصادی به نحوی کارآمد به کار گرفته شوند.

طی سال ۲۰۰۲ در پنج نوبت مجامع عمومی کارگری در صنعت شکر و بخش‌هایی از اقتصاد، که در تماس نزدیک با آن بودند، با شرکت بیش از ۹۰۰ هزار کارگر برگزار شدند تا طرح دولت را بررسی کنند. کارگران همی جوانب را

بررسی کردند، از مسایل اساسی خود طرح و نیازهای کلی اقتصاد کوبا، تا تاثیر آن بر سطح زندگی، شرایط کار کارگران شکر، خانواده و مناطق و جماعات کارگران شکر و طبقه‌ی کارگر به طور کل. پدرو روس لیال، دبیر کل «مرکز کارگران کوبا»، می‌گوید: «ما در طرح تجدید سازمان صنعت شکر دو اصل را مد نظر داشتیم. اول این که، هیچ کارگری رها نشود، تا گلیم خودش را از آب در بیاورد. دوم این که، کارگران و جماعات کارگری‌یی که این تجدید سازمان بر آنان تاثیر می‌گذارد، وضع بهتری پیدا کنند و احساس کنند که زندگی ایشان بهبود یافته است.»

تولیدو توضیح می‌دهد، که «مسکن و خدمات اجتماعی جماعت کارگر مناطق اطراف تصفیه‌خانه‌های شکر حفظ خواهند شد و بهبود نیز خواهند یافت. ما تلاش داریم، که کیفیت زندگی را با افزایش تعداد کتاب‌خانه‌ها، تئاتر و برنامه‌های فرهنگی و ورزشی و موزه‌ها افزایش دهیم.» او یادآور می‌شود، که این تجدید سازمان یک شبه صورت نخواهد گرفت و برخی از کارگران طبعاً تصمیم خواهند گرفت نقل مکان کنند و در مناطق و صنایع دیگر به کار مشغول شوند. ده‌ها هزار نفر دیگر این فرصت را خواهند داشت، که به ادامه‌ی تحصیل فنی یا علمی بپردازند و خود را برای شغل دیگری آماده کنند.

از ۷۰ تصفیه‌خانه‌ی شکر، که تعطیل شده‌اند، پنج واحد به صورت موزه در خواهند آمد و پنج واحد دیگر را به عنوان پست‌توانی تصفیه‌خانه‌های فعال در حالت آماده‌باش نگه خواهند داشت. مابقی تصفیه‌خانه‌ها کاملاً از جا برداشته می‌شوند. سائنز می‌گوید: «ما می‌کوشیم تا حد ممکن قطعات مورد استفاده را در جای دیگری به کار بگیریم. به عنوان مثال، لوله‌های درون سلیندرهای تصفیه‌خانه را ما در گل‌خانه‌های مدرن به کار برده‌ایم. برخی از قطعات را به عنوان دست دوم به دیگر تولیدکنندگان در کشورهای دریای کارائیب فروختیم. سعی ما این است، که تا حد ممکن میزان فلزات غیر قابل مصرف را به حداقل برسانیم.» اسباب و اثاثیه و امثال آن را نیز به کارگران می‌فروشند.

#### ۵- مزارع کشت تعاونی

حدود ۹۷ درصد نیشکر کوبا در «واحدهای اساسی تولید تعاونی» کشت می‌شود. این واحدهای تولید تعاونی در اواخر سال ۱۹۹۳ هم راه با تجدید سازمان واحدهای بزرگ تر مزارع دولتی به وجود آمدند. آن تجدید سازمان چند هدف را دنبال می‌کرد: ۱- به کارگران، که اکنون به صورت تعاونی صاحب تولید بودند، سهم بیش‌تری را در اداری امر کشت بدهد؛ ۲- انگیزه‌ی مادی بیش‌تری برای افزایش کارآیی و بارآوری ایجاد کند؛ ۳- به دستگاه اداری مزارع دولتی، که گاهاً تا ۵۰ درصد نیروی کار را به خود اختصاص می‌دادند، خاتمه دهد. برای بررسی این تجدید سازمان به نیری، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ رجوع کنید.)

سائنز می‌گوید، که تبدیل مزارع دولتی به تعاونی‌های کشاورزی را می‌توان مرحله‌ی اولیه‌ی تجدید سازمان صنعت شکر قلمداد کرد: «اکنون ما مرحله‌ی دیگری از این تجدید سازمان را که به کارآیی بیش‌تر و دوام دراز مدت این تعاونی‌ها کمک می‌کند، پشت سر می‌گذاریم.» در واقع امر، رهبری سیاسی این بازسازی عظیم تولید شکر در کوبا، که هدف تحول آگاهی بیش‌تر کارگران را علاوه بر بهسازی اقتصادی دنبال می‌کند، بزرگ‌ترین وظیفه‌ی کارگران، تشکلات کارگری و دولت کوبا را تشکیل می‌دهند. این وظیفه‌ی خطیر را وزارت شکر و «اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر» در سندی که تحت عنوان «سند برنامه‌ای» برای بحث کارگران تهیه کرده‌اند، بخشا چنین منعکس می‌کنند: «در مورد کارکنانی که به دلیل تقلیل نیروی کار در صنعت شکر، کار سابق خود را از دست می‌دهند، این اصول خدشه‌ناپذیر رعایت می‌شوند: - هیچ کس از این کارگران تنها رها نخواهند شد؛ - همی کارگران ضمانت دریافت حقوق دارند؛ - همی کارگران ضمانت استخدام یا شرکت در کلاس‌های آموزشی دارند؛ - ۱۰۰ هزار نفر از کارگران در کلاس‌های مرحله‌ی عالی آموزش گوناگون ثبت نام خواهند شد؛ - همی کارگرانی که به کار در این صنعت ادامه می‌دهند، کماکان عضو «اتحادیه‌ی کارگران شکر» خواهند بود؛



– همی کشاورزان کماکان عضو «اتحادیهی کشاورزان خودکار» خواهند بود؛  
– کارگران کشاورزی، که درآمدشان وابسته به تولید صنعت شکر بوده، هم چنان طبق معمول سابق حقوق دریافت می‌کنند.»

#### ۶- مجموعهی تولید شکر کامیلو سینفنگوس: یک نمونه

برای آشنایی نزدیک تر با چگونگی انجام تجدید سازمان صنعت شکر، بررسی تجربی مجتمع تولید شکر کامیلو سینفنگوس، که در سائته کرور دل نورته در ۴۵ کیلومتری هاوانا قرار دارد، ارزنده است. در این مجتمع، که به سال ۲۰۰۲ تعطیل شد، ۱/۷۵۰ نفر کار می‌کردند. صاحبان اولیه این تصفیه خانه، خانوادگی هرسی بود که از تولید کنندگان بزرگ شکلات در ایالات متحده است. پیش از انقلاب، سرمایه دار بزرگ کوبایی، هولیو لوبو این تصفیه خانه را خرید. چند سال بعد، سرمایهی لوبو – منجمله ۱۴ تصفیه خانهی شکر او – مصادره شد. این مجتمع و تصفیه خانهی چهاردهم را به نام یکی از رهبران محبوب جنگ انقلابی، که بعد از کسب قدرت در حادثه‌ی هوایی جان خود را از دست داد، کامیلو سینفنگوس نامیدند. در آن سالها، مجتمع سینفنگوس پیش رفته ترین تصفیه خانه را در کوبا داشت. اما با گذشت زمان، تکنولوژی انگلیسی استفاده از صافی ذغال که از استخوان حیوانات گرفته می‌شد، باعث افزایش هزینه شد. در نتیجه، هنگامی که در آوریل ۲۰۰۲ تصمیم اساسی برای تجدید سازمان صنعت شکر اتخاذ شد، نام این مجتمع در صدر فهرست تصفیه خانه های شکر بود، که می‌باید تعطیل می‌شد. این تصفیه خانه در هر فصل برداشت نیشکر، ده میلیون پزو زیان می‌داد.

ادواردو گونزالس، رئیس کارگزینی مجتمع کامیلو سینفنگوس می‌گوید: «ما نهایت سعی خود را به کار بردیم، تا کمیسیون کشوری که قرار بود تصمیمات نهایی را اتخاذ کند را قانع کنیم، که می‌شود این وضع را عوض کرد و مجتمع را حفظ نمود. اما سرانجام قانع شدیم، که تعطیل مجتمع تنها راه منطقی است.» زمین‌هایی که سابقاً زیر کشت نیشکر می‌رفتند، اکنون به کاشت سبزیجات یا دام داری تخصیص یافته‌اند.

کارگران این مجتمع پنج دوره بحث در مورد تجدید سازمان صنعت شکر و پی گرد آن برای زندگی خود داشتند. در جلسهی اول، برای بررسی «سند برنامه‌ای»، «اتحادیهی سراسری کارگران شکر» و «وزارت شکر» تشکیل شد. کارگران پذیرفتند، که شرایط اقتصادی نه صرفاً در مجتمع، بلکه در سراسر کشور نیاز به تعطیلی آن را مبرم می‌کند. گونزالس می‌گوید، که «آن چه بیش از همه در ذهن همه بود، آیندهی شان بود؛ نگرانی حقوق، شغل و خانگی شان. بسیاری از کارگران مجتمع، چندین سال سابقه‌ی کار در صنعت شکر را داشتند.» دوری چهارم بحث کارگران با هم کاری «کمیته های دفاع از انقلاب» برگزار شد. «کمیته های دفاع از انقلاب» در اوآن انقلاب کوبا برای سازمان دهی به امورات محلات و برای دفاع محلی به وجود آمدند و اکنون عمدتاً نقش اجتماعی دارند. هدف شرکت «کمیته های دفاع از انقلاب» در بحث، کمک به راه گشایی برای ادامه‌ی حیات محلات کارگری و در صورت لزوم به نقل مکان کارگران بود. سرانجام در طی این بحثها، کمیسیون‌هایی متشکل از یک نماینده از مدیریت و سه نماینده از اتحادیهی کارگران تشکیل شد. این کمیسیونها با تک تک ۱/۷۵۰ نفر کارکنان این مجتمع ملاقات کردند، تا مشترکاً برای آیندهی آن برنامه ریزی کنند. گونزالس می‌گوید: «اگر کارگری بیمار یا مجروح بود، اعضای کمیسیون به خانگی او می‌رفتند تا با وی ملاقات کنند. ما با هر کارگر دو تا شش بار جلسه داشتیم، به دل نگرانی‌های او توجه می‌کردیم و به طور جمعی راه حل‌هایی برای هر مورد می‌یافتیم.» تولید و تاکید می‌کند، که «جلسات کارگری برای تصویب یک سری پیشنهادات از پیش تعیین شده تشکیل نشدند. در این اجتماعات، چه در سطح محلی، استان یا کشور، دولت و اتحادیه‌ها با کارگران واقعا تبادل نظر می‌کردند. هدف این امر رسیدن به نتایجی بود، که در جهت منافع کارگرانی که مستقیماً از این تصمیمات متاثر

می‌شوند، باشد و در عین حال به نیازهای کشور نیز جواب گو باشد.» هر کارگر حق داشت، که نتایج حاصل از بحث با کمیسیون چهار نفره محلی را نپذیرد و خواهان تجدید نظر از جانب رهبری اتحادیهی سراسری بشود. از بین متجاوز از ۱۲۰ هزار کارگر، که شغل خود را از دست دادند، تنها پنج نفر خواهان تجدید نظر توسط رهبری اتحادیهی سراسری شدند. دولت به همی کارگرانی که شغل شان مشمول این تجدید سازمان شده‌اند، ضمانت مادام العمر داده است، که حقوق شان کمتر از آخرین حقوق آنان در صنعت شکر نباشد. این ضمانت هم در مورد کارگرانی که مستقیماً به شغل جدیدی انتقال یافته‌اند، صادق است و هم در مورد کارگرانی، که تصمیم گرفتند برای یافتن شغل بهتری به تحصیل ادامه دهند و هم در مورد کارگرانی، که تصمیم گرفتند کار کنند و ادامه‌ی تحصیل نیز بدهند. از ۱/۷۵۶ کارگر مجتمع، حدود ۶۰۰ نفر تصمیم گرفتند ادامه‌ی تحصیل بدهند؛ ۲۲۶ نفر در بخش خدمات کار گرفتند؛ و ۲۶ نفر تصمیم گرفتند با حفظ حقوق آخر خود بازنشسته شوند و ۳۱ نفر هم شغل دیگری در محل پیدا کردند. فرآیند مشابهی در سراسر کشور انجام شد. روی هم رفته ۷/۸۵۰ مجمع کارگری برگزار شدند، که در آنها بیش از ۹۰۰ هزار کارگر شرکت کردند. در سایر اتحادیه‌های کارگری کوبا نیز کارگران جلساتی را به بحث تجدید سازمان صنعت شکر اختصاص دادند. گفت و گوهایی مشابهی نیز در «اتحادیهی سراسری کشاورزان خودکار» برگزار شد.

#### ۷- کارگران و آموزش: بخشی از «جدال عقاید»

بسته به سن و میزان تحصیلات، کارگران علاقه مند به شش دوری تدریسی تقسیم شدند. کسانی که تا شش کلاس درس خوانده بودند؛ از کلاس هفت تا نه؛ از ده تا دوازده؛ دوری پیش از دانش گاه؛ دوری آموزش فنی؛ و دوری عالی فنی؛ در مجتمع کامیلو سینفنگوس حدود ۱۰۰ نفر، که بین ۱۶ تا ۱۹ سال بودند، کلاس نه را تمام کرده بودند (در کوبا تحصیلات تا کلاس نه اجباری است). حدود ۱۲۰ نفر کلاس دوازده را تمام کرده بودند. اکثر کارگرانی که داوطلب ادامه‌ی تحصیل شدند، بین ۳۰ و ۴۵ سال داشتند. آنها که تصمیم می‌گیرند، به دوری پیش از دانش گاهی وارد شوند، در صورت موفقیت به یکی از دانش گاه های کشور برای ادامه‌ی تحصیلات پذیرفته خواهند شد. فیدل کاسترو در گردهمایی آرته میسا خطاب به کارگران صنعت شکر گفت: «هر تصفیه خانگی شکر به یک مرکز دانش گاهی بدل خواهد شد... هر شهری که دوری متوسطه دارد و یا مدرسه فنی‌ای در آن است، می‌تواند به یک مرکز دانش گاهی منطقه تبدیل شود. آیا این چیزی عجیب در دنیای امروز نیست؟» کاسترو ادامه داد: «هدف ما این است، که به تحصیل کرده ترین کشور جهان تبدیل شویم؛ کشوری که آموزشی همه جانبه، نه صرفاً مهارت‌های حرفه‌ای، که هم چنین علوم، هنر و علوم انسانی را به همگان یاد بدهد.» بازنشسته‌ها نیز می‌توانند در «دانش گاه های بزرگ سالان» که به ابتکار (س. ت. س.) ایجاد شده است، ثبت نام کنند.

مدرسه‌ای که در سانتا کروز دل نورته برای کارگران سابق مجتمع کامیلو سینفنگوس ایجاد شده، ۵۲ کارآموز دارد. برخی از این‌ها خود در مجتمع کار می‌کردند. مارلین کردرو می‌گوید: «من چهار سال در بخش جعبه بندی شکر و به عنوان محافظ کارخانه کار می‌کردم. حالا من معلم دروس کامپیوتر هستم.» کارگران خود در ایجاد مدرسه سهیم بودند. آن‌ها ساختمانی را که سابقاً در اختیار واحد کار جوانان ارتش بود را بازسازی کردند و به مدرسه تبدیل نمودند. آلبرتو آلفونسو می‌گوید: «ما ابتدا قدری از بازگشت به درس خواندن وحشت داشتیم. فکر می‌کردیم، یادگیری، تمرکز و دانش آموز بودن سخت است. اما در تجربه این طور نبود.» مدرسه در دو نوبت چهار ساعته است: کلاس‌های صبح و کلاس‌های بعد از ظهر. این به برخی از کارگران فرصت می‌دهد، که در عین تحصیل به طور نیمه وقت به کاری نیز مشغول شوند. این گونه درآمد، علاوه بر حقوقی است که کارگران به هر حال از دولت دریافت می‌کنند.

برنامه‌ی تحصیل به جای کار برای کارگران صنعت شکر، بخشی است از کارزار «جدال عقاید» که هدف تقویت جهت گیری پرولتری انقلاب کوبا را از طریق گسترش تحصیلات و فرهنگ به همی جمعیت کشور دارد. کارزار «جدال عقاید» چند سال پیش به ابتکار «اتحادیه‌ی جوانان کمونیست» در مقابله با تهاجم ایدئولوژیک امپریالیستی و ارزش‌های بورژوازی متشکل شد. دولت و کارگران کوبایی در مقابل بحران عمیق اقتصادی کوبا، که ناشی از اثرات فروپاشی رژیم‌های دیوان سالار در اتحاد شوروی و اروپای شرقی بود، مجبور به یک عقب نشینی تاکتیکی شدند. اصلاحات اقتصادی‌یی که دامنه‌ی روابط بازار و پول را در جامعه گسترش می‌دادند، به ناچار اتخاذ شدند و هم راه این‌ها ارزش‌های بورژوازی که با تبلیغات مداوم امپریالیستی برای مشی سوسیالیستی انقلاب ایجاد خطر می‌کنند. کارزار «جدال عقاید» شامل چند دوچین برنامه‌ی آموزشی و اشتغال است، که در مرکز آن گسترش وسیع امکانات دانش گاهی برای ده ها هزار جوان قرار دارد، که در طی دوره‌ی بحرانی اخیر انقلاب کوبا از تحصیل منصرف شده بودند.

برنامه‌های درسی فشرده برای تربیت آموزگاران دوره‌ی ابتدایی و معلمین هنر، هم راه با گشایش چهار موسسه برای آموزش هزاران جوان به عنوان مددکار اجتماعی از جمله فعالیت‌های کارزار «جدال عقاید» است. در نتیجه‌ی این امر، تعداد دانش آموزان در هر کلاس، که در برخی شهرها چون هاوانا به ۳۷ نفر به طور متوسط می‌رسید، اکنون به کمتر از ۲۰ دانش آموز در هر کلاس در سراسر کشور رسیده است. «دانش گاه برای همه»، یک برنامه‌ی آموزشی تلویزیونی است، که درس‌هایی برای هر گروه سنی دارد که موضوعاتی از آموزش زبان‌های مختلف تا تاریخ و فلسفه و موسیقی را در بر می‌گیرد. در هر کلاس درس در سراسر کوبا، تلویزیون و دستگاه ویدئو برای آموزش علمی و بصری وجود دارد. برخی از دروس به طور مرکزی برای سراسر کشور تدارک دیده می‌شود و در ساعت معینی ضمن روز تحصیلی از طریق تلویزیون پخش می‌شود و سپس آموزگار هر کلاس به سوال و جواب و تمرین مربوطه به آن درس می‌پردازد. در هر منطقه‌ی شهری و روستایی، مراکز کامپیوتری برای دانش آموزان به وجود آمده است.

یک برنامه‌ی دیگر، انتشار مجموعه‌های ارزان قیمت آثار ادبی کلاسیک از سراسر جهان است که برای خانواده‌ها و مدارس و کتاب خانه‌ها چاپ می‌شود. این فعالیت ادبی تحت این شعار دامن زده می‌شود، که: «انقلاب به مردم نمی‌گوید چه باید داشته باشند. انقلاب به مردم می‌گوید بخوانید!» تاکنون ۱/۲ میلیون جلد از این مجموعه منتشر شده است. فیدل کاسترو در گردهمایی بین المللی آموزگاران در هاوانا، در فوریه‌ی ۲۰۰۳، گفت: «از آن جا که آموزش ابزاری عالی است برای کسب شادی، تندرستی و عدالت اجتماعی، شما بهتر درک می‌کنید چرا من فریاند آموزش کنونی در کوبا را چون انقلابی عمیق می‌دانم. اس و اساس بهزیستی مادی مردم ما در گرو دانش و فرهنگ است.» کاسترو ادامه داد: «در جهانی که درگیر بحران اقتصادی بزرگی است، کشور ما کماکان در جنبه‌هایی پیش رفت می‌کند... شاید بلندپروازترین تصمیم ما این بوده است، که تحصیل را

به نوعی اشتغال تبدیل کنیم. بر این اساس است، که ما ۷۰ تصفیه خانه شکر که هزینه‌ی شان بیش‌تر از درآمدشان بود را تعطیل کردیم.» کاسترو در جمع کارگران شکر در آرته میسا یادآور شد: «کسانی بودند، که مدعی نابودی عقاید سوسیالیستی شدند. اما این‌ها کشوری را می‌توانند بیابند که آن چه که در نظام سرمایه داری حتی نمی‌توان خواهش را دید، در آن به واقعیت تبدیل شده است.» هه سوس آبرو، کارگر مجتمع کامیلو سینفنگوس، که در کلاس‌های کامپیوتر ثبت نام کرده است، می‌گوید: «دروس ما با روحیه‌ی این سخن قهرمان ملی‌مان حوزه مارتی هم راه است: آن کس که آموخته باشد، آزاد خواهد بود.»

\* \* \*

#### پانویس:

۱\_ گزارش سیلبرمن، کوپل و واترز در عین حال که به طور کلی بسیار ارزش مند است، اما حاوی برخی آمار و ارقام است که گاه با یک دیگر جور در نمی‌آیند. این نوع اشتباهات در نوشته‌های ژورنالیستی گاه پیش می‌آید. من در عین حال که اطلاعات کلی گزارش را با دیگر منابع تایید کرده‌ام، کوشیده‌ام که با استفاده از اطلاعات خود این نویسندگان و منابع دیگر، تناقض‌های جزئی گزارش را بر طرف کنم. با این همه خواننده باید مطلع باشد، که برخی جزئیات آماری در این نوشته ممکن است نادرست باشند؛

۲\_ گزارش وزارت شکر کوبا به مورد «جمهوری دومینیک»، که کشور دیگری در دریای کارائیب است، اشاره می‌کند. علی‌رغم این که جمهوری دومینیک از سهمیه‌ی ترجیحی صادراتی به ایالات متحده برخوردار است، تولید شکر در این کشور نسبت به ۱۹۶۰ به یک سوم رسیده است و طی ده سال گذشته نیمی از تصفیه خانه‌های شکر تعطیل شده‌اند. در ماه‌های اخیر اخبار درگیری خونین نیروهای دولتی با کارگران، نتیجه‌ی مصیبتی که به کارگران صنعت شکر تحمیل شده را نشان می‌دهد. وضع کارگران «میهمان» که از هائیتی برای کار در صنعت شکر آمده بودند، وخیم‌تر شده است. در میان کشورهای دریای کارائیب، تولید شکر نسبت به ۱۸ سال گذشته نصف شده است و سهم آنان از بازار شکر جهانی از یازده درصد به سه درصد رسیده است. در فیلیپین، یکی از کشورهای عمده تولید کننده‌ی شکر، ده‌ها هزار کارگر از کار بیکار شده‌اند و یا به طور دائم تحت شرایط استخدام نیمه وقت قرار گرفته‌اند. همین وضع در مورد انبوزی و مالزی هم صادق است. حتی در ایالات متحده، دولت مجبور به دادن سوسید به تولید کنندگان شکر است و قیمت شکر را هر پوند، ۲۱ سنت، یعنی سه برابر قیمت بازار جهانی، حفظ کرده است. بازار متحد اروپا، صنعت شکر از چغندر قند را با ۱/۵ بیلیون دلار در سال حمایت می‌کند. اضافه تولیدی که از این کشورها در بازار جهانی به فروش می‌رسد، قیمت شکر را حتی بیش‌تر تقلیل می‌دهد و وضع تولید کنندگان ضعیف تر را بدتر می‌کند.

\* \* \*

#### منابع فارسی:

\_ نیری، کامران (۲۰۰۰). «انقلاب کوبا در چشم اندازی تاریخی: یک بررسی متدولوژیک»، دفتر پنجم «نگاه»، صفحات ۲۵ تا ۳۶؛  
\_ نیری، کامران (۱۹۹۶). «تضاد و پیش رفت در انقلاب کوبا: یک ارزیابی از شرایط کنونی»، «آرش»، شماره‌ی ۵۶؛

\* \* \*

Silberman, Jonathan, Martin Koppel, and Mary Alice Waters (2004). "Radical Reorganization and Cutback of Cuban Sugar Industry," *The Militant*, February 9.

<http://www.themilitant.com/2004/6805/680550.html>

Silberman, Jonathan, Martin Koppel, and Mary Alice Waters (2004). "Cutback, Restructuring of Sugar Industry: Cuban Workers Explain How It Affects Them", *Militant*, February 16.

<http://www.themilitant.com/2004/6806/680650.html>